

یک سده تکاپو برای جامعه مدنی (جستار گشایی)

جستار گشایی

وقتی میرزای شیرازی، در سال ۱۸۹۰ میلادی، با یک جمله نیمه فارسی که: « بسم الله الرحمن الرحيم، اليوم استعمال تنباکو و توتون بآی نحو کان در حکم محاربه با امام زمان علیه السلام است.»، تومار قرارداد رژی را در هم پیچید، شهروند/ رعیت‌های آن دوره به همراه علمای اعلام، شاید برای نخستین بار در تاریخ این سرزمین، اعتماد به نفسی غریب پیدا کردند و به گونه‌ای خودآگاهی جمعی رسیدند که گویی می‌توانند در تعیین سرنوشت خویش دخیل باشند. هرچند ابعاد و گستره این کامیابی جمعی ایرانیان در تقابل با هیأت حاکمه چندان نبود که ساختارهای سیاسی آن روز را جابجا کند، دیری نگذشت که همان مردم، پای از دایره مطالبات محدود و مقطعی فراتر نهاده، خواستار تأسیس عدالتخانه و مجلس و سلطنت مشروطه شدند که به تعبیر امروزی می‌توان از آن به اصلاحات ساختاری یاد کرد.

اینکه مشروطه‌طلبان تا چه میزان توانستند ایده‌های داشته یا نداشته خود را جامعه عمل پوشانده و پیروزی شگرف خود را از طریق نهادسازی، پایداری بخشند، فعلاً مطمح نظر ما نیست. آنچه در این جستار، اهمیت ویژه دارد نفس مطالبه است؛ به دیگر سخن، فارغ از این که مردم ایران در بزنگاه‌های تاریخی یکصد و پنجاه سال اخیر چه دستاوردهایی داشته‌اند، نقطه کانونی آن است که چگونه و با چه سازوکارهایی توانسته‌اند اراده و مطالبه خود را طرح و در مسیر تحقق آن گام بردارند. نکته دیگر، جنس و سنخ آمال و آرزوهای این ملت است؛ در قضیه فتوای میرزای شیرازی، سقف خواسته‌های ملت، رفع انحصار در تجارت توتون و تنباکو بود در حالی که در جنبش مشروطه، کف مطالبات مردم، تفکیک قوا و مقید ساختن قدرت بود... ادامه مطلب در **طاقچه**